

مسئله ترور در دوران مشروطه و تأثیر ترور شجاع نظام مرندي در تحولات

آذربایجان

سجاد حسینی¹، جعفر آقازاده²، حمیده آرمون³، علیرضا حسینی صدر⁴

تاریخ دریافت: 1399/01/16

تاریخ پذیرش: 1399/03/08

از صفحه 19 تا 38

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی
سال هفتم، شماره بیست و چهارم، بهار 1399

چکیده

جلوس محمدعلی شاه قاجار بر سریر سلطنت موجب افزایش تقابل بین مشروطه‌خواهان و مستبدین شد. در این مجادله، وزنه مستبدین دولتی از نظر نیروی انسانی و تجهیزات نظامی بر قوای آزادی‌خواه مردمی سنگینی می‌کرد. بدین جهت مشروطه‌خواهان در برهه‌های مختلف مبارزات خویش، شیوه ترور را برگزیدند و در این راه حیدر خان عموآوغلی به علت هوش سرشار و توان فنی به کمک ایشان شتافت. وی ضمن ساخت بمب، برنامه عملیات اغلب این ترورها را طراحی و اجرا کرد. این پژوهش بر آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، ضمن ترسیم اوضاع سیاسی - نظامی آذربایجان در دوره استبداد صغیر و جایگاه شجاع نظام مرندي در جنگ‌های داخلی آذربایجان درصدد پاسخ به این سؤال برآید که ترور شجاع نظام مرندي چه تأثیری بر تحولات انقلاب مشروطه ایران در آذربایجان داشت؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ترور موفقیت‌آمیز شکرالله خان شجاع نظام مرندي - از مهره‌های اصلی قوای استبداد در آذربایجان - موجب شکستن حصر تبریز گشت و در پی آن راه مهم و استراتژیک تبریز - جلفا بار دیگر گشوده شد. همچنین این ترور زمینه، اهتزاز پرچم مشروطه، در شهرهای شمالی و غربی آذربایجان را میسر ساخت.

کلید واژه‌ها

آذربایجان، مشروطیت، استبداد صغیر، ترور، شجاع نظام مرندي، حیدر خان عموآوغلی.

1- عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) s.hoseini@uma.ac.ir

2- عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

3- کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه محقق اردبیلی

4- عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

هم‌زمان با دوران استبداد صغیر، مبارزات مشروطه‌خواهان علیه نیروهای دولتی وارد فاز نظامی شد. در این تقابل نظامی، قوای مشروطه‌خواه از نظر نیروی انسانی و تجهیزات، توان ستیز با دولت محمدعلی شاه قاجار را نداشتند. یکی از شیوه‌های جبران این ضعف نظامی، استفاده از ترور بود.

ترور¹ در زبان فرانسه به معنای هراس، هراس‌افکنی، وحشت و ترس زیاد است و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی همراه با قتل و خونریزی حکومت‌ها، احزاب و گروه‌های مبارز برای رسیدن به اهداف سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت گفته می‌شود (آشوری، 1386: 98؛ آقابخشی، 1383: 677). در تعریفی دیگر، تروریسم در مفهوم مبارزه خشونت‌بار روشنفکران انقلابی جدا از توده‌ها، عبارت است از یک جریان خرده‌بورژوازی که در مرحله‌ای از جنبش انقلابی در اروپا ظاهر شد. تروریسم به تئوری قهرمانان فعال و توده‌های غیرفعالی که در انتظار هنرنمایی این قهرمانان هستند، معتقد است. اعتقاد تروریسم به این تئوری در اساسی‌ترین نمودهایش به صورت ناتوانی کامل در شناخت جنبش توده‌ای و فقدان ایمان به آن، عدم درک نیازمندی و کمبودهای جنبش، عدم توانایی در آمیختن فعالیت انقلابی خود با جنبش توده‌ای و بی‌ارزش تلقی کردن فعالیت انقلابی توده‌ها و در نتیجه ناگزیر به شکل توسل به ترور انفرادی برای خاموش ساختن احساسات خشم‌آگین و انرژی انقلابی خویش و جستجوی وسایل تهییج مصنوعی و نظایر اینها متجلی می‌شود. ترور انفرادی، عوام‌فریبان و ستمگران را به خطر نمی‌اندازد و یا اگر حتی جامعه را موقتاً از شر ستمگرانی که در رأس آن ممکن است قرار گرفته باشند، خلاص کند، رژیم ستمگری و نظام عوام‌فریبی را محفوظ نگه می‌دارد و اصولاً جز در موارد خاص هرگز نمی‌تواند راه انقلاب یا تحولات اساسی را بگشاید (آقابخشی، 1383: 677، 678).

در آستانه انقلاب مشروطه ایران، آنارشیست‌های انقلابی و برخی دسته‌های انقلابی دیگر در روسیه تزاری اقدام به ترور می‌کردند. از این جهت ترور به معنای کشتار سیاسی نیز کاربرد یافت. در تاریخ ایران و شرق اسلامی، اسماعیلیان نزاری یا پیروان حسن

1- terror

صبح از ترور به عنوان یک روش دائمی برای مبارزه با خلافت عباسی، نیروهای وابسته به آن و سایر دشمنانشان استفاده کردند. ترورگری‌های آنان چنان وحشتی در دل همگان و از آن جمله مسیحیان صلیبی افکنده بود که هنوز در زبان‌های اروپایی به نام اساسین¹، شکل دگرگون شده حشاشین، یعنی قاتل معروفاند (آشوری، 1386: 99).

بی‌تردید گسست زمانی موجود مابین عصر سلجوقی و قاجار مانع از الگوگیری مشروطه‌خواهان از شیوه ترور اسماعیلیه می‌شد، اما احتمال الگوگیری آنان از انقلابیون روسیه تزاری وجود دارد. چرا که همواره ارتباط تنگاتنگی بین مشروطه ایران و انقلاب‌های روسیه در اوایل قرن بیستم میلادی وجود داشت و در این بین مجاهدین قفقازی و مهاجرین ایرانی در روسیه، نقش بسزایی را ایفا می‌نمودند. هم‌زمان با جنگ‌های داخلی آذربایجان، جمعی از مشروطه‌خواهان تبریز راه غلبه بر قوای دولتی را در رجوع به حیدر خان عمواغلی و استفاده از تجربه ترورهای صدر مشروطه او یافتند. حیدر خان که پیش‌تر در ترورهای برخی از رجال سیاسی قاجار مانند علاءالدوله، میرزا علی اصغر خان اتابک و شخص محمدعلی شاه مشارکت داشت و در ساخت بمب به‌گونه‌ای ماهر بود که او را بمببست می‌نامیدند، با همراهی مجاهدین قفقازی و فدائیان آذربایجانی، با اتکا به شیوه ترور، به یاری مشروطه‌خواهان تبریز شتافت. ترور شکرالله خان شجاع نظام مرندي، از برجسته‌ترین طرفداران محمدعلی شاه در آذربایجان و دشمن درجه یک مشروطیت، از مهم‌ترین این ترورها بود. در این ترور علاوه بر تهیه بمب، نقشه‌ای بسیار هوشمندانه‌ای از جانب حیدرخان طراحی و با موفقیت اجرا شد.

این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، ضمن معرفی جایگاه شجاع نظام مرندي در جنگ‌های داخلی آذربایجان در استبداد صغیر، به بررسی حادثه ترور وی بپردازد و در پی پاسخ به این سؤال برآید که ترور شجاع نظام مرندي چه تأثیری در تحولات انقلاب مشروطه ایران در آذربایجان داشت؟ در پاسخ به این سؤال چنین مفروض است که با ترور موفقیت‌آمیز شجاع نظام مرندي یکی از اصلی‌ترین مهره‌های قوای دولتی در آذربایجان کنار نهاده شد و ضمن افزایش تسلط مشروطیت در نواحی شمال آذربایجان، راه استراتژیک تبریز-جلفا که محل انتقال سلاح، آذوقه و قوای کمکی از قفقاز به مشروطه‌خواهان تبریز بود گشوده

1- assassin

شد و با پایان بیدادگری‌ها و بی‌نظمی‌های نیروهای وابسته به شجاع نظام مرندی، قانون و امنیت بر نواحی مذکور حکم‌فرما گشت.

پیشینه پژوهش

پیش‌تر پژوهش‌های پراکنده و مجملی در این موضوع صورت گرفته است، از جمله:

حسن‌زاده در کتاب انقلاب اسلامی در مرنند (سیاست و اجتماع: از مشروطه تا انقلاب)، در شرح حوادث انقلاب مشروطه در این شهر به بررسی حیات شکرالله خان شجاع نظام مرنندی و از آن جمله حادثه ترور وی پرداخته است. علی‌رغم اهمیت شجاع نظام مرنندی در تحولات مشروطیت در منطقه آذربایجان و نقش کلیدی نیروهای مرنندی تحت اطاعت او در این رخداد، موضوع مذکور به‌صورت اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است و در این بین حادثه ترور شجاع نظام و تبعات ناشی از آن در روند حوادث آن دوران، بخش کوچکی از پژوهش مورد بحث را به خود اختصاص داده است (حسن‌زاده، 1393).

رائین در کتاب «حیدرخان عمو اوغلی» در بررسی کارنامه سیاسی - نظامی حیدر خان ضمن تشریح ترورهای صدر مشروطه، به ارائه گزارشی از واقعه ترور شجاع نظام مرنندی پرداخته است. مطالب مذکور در این خصوص بیشتر بر دو منبع تاریخ مشروطه احمد کسروی و ستارخان و آذربایجان اسماعیل امیرخیزی استوار است و نویسنده از سایر منابع دست اول این دوران و اسناد آرشیوی برای بازسازی واقعه ترور شجاع نظام و تبعات آن بهره نبرده است. همچنین در این پژوهش خبری از روزشمار رخدادها مرتبط با این حادثه نیست (رائین، 1370).

شجاع نظام مرنندی و ستیز با مشروطه

شکرالله خان شجاع نظام مرنندی، فرزند لطف‌الله خان - از فرماندهان قراسوران¹ دوره ناصری - بود. شکرالله خان بعد از پدر از سال 1305 هـ ق. 1887 م. رئیس دسته قراسوران راه مرنند - جلفا شد (بامداد، 1384: 379؛ حسن‌زاده، 1391: 65؛ سید زنوزی، 1358: 229). وی در عهد مظفری به حکومت مرنند منصوب شد و با روی کار آمدن محمدعلی شاه به طرفدار سرسخت او در آذربایجان مبدل گشت (بامداد، 1384: 379).

1- سرهنگ محافظین قافله و محافظین راه (معین، 1387: 815؛ عمید، 1388: 739)

شجاع نظام در دوران استبداد صغیر، به حمایت از محمدعلی شاه برخاست و با حضور و همراهی نیروهای قراقران خود به معرکه جنگ‌های داخلی آذربایجان کشیده شد. منابع مشروطه از نیروهای تحت اطاعت شجاع نظام با عنوان «مرندی» یاد می‌کنند. شجاع نظام در گردآوری این قوا به تهدید و ارعاب متوسل شد. کسروی در این خصوص می‌نویسد: «شجاع نظام در بیرون مرند لشکرگاه زده از سراسر آن پیرامون‌ها سوار گرد می‌آورد و چنین آگاهی داده که هر که نیاید خانه‌اش را تاراج خواهد کرد» (کسروی، 1388: 949).

هم‌زمان با دوران جنگ‌های داخلی آذربایجان و محاصره تبریز، قوای نظامی تحت انقیاد شجاع نظام، در حمایت از نیروهای دولتی و مبارزه با مشروطه خواهان گام برداشتند. این حمایت به قدری پررنگ بود که شجاع نظام به یکی از نمادهای استبداد و مشروطه‌ستیزی در ادبیات مشروطه مبدل شد (ویجویه‌ای، 1386: 69؛ نیور، 1348: 215؛ رئیس‌نیا، 2535: 42؛ عافیت، 1374: 6، 8).

اقدامات شجاع نظام در دشمنی با مشروطه در دو جهت صورت می‌گرفت. نخست اینکه او به تبریز تهاجم می‌کرد و بخش‌هایی از تبریز خصوصاً غرب شهر از جانب او تهدید می‌شد و قوای تحت تبعیت او حق دست‌اندازی به اموال مردم شهر را داشتند. مخبرالسلطنه هدایت در این باره گوید: «پسر رحیم خان و شجاع نظام بر تبریز غالب شدند. دست به چپاول و تعدی گذاردند. مردم حال خودشان در صلح و جنگ یکسان دیده در ثانی دست به اسلحه یازیدند» (هدایت، 1363: 224).

دیگر روش شجاع‌نظام در ضربه زدن بر مجاهدان تبریزی، انسداد راه‌های منتهی به شهر بود. این امر از جمله اصلی‌ترین تاکتیک‌های نیروهای دولتی در به زانو درآوردن مجاهدان مشروطه‌خواه تبریز بود. شجاع نظام اصلی‌ترین نیروی دولتی مسئول بسته نگاه‌داشتن این راه تبریز-جلفا بود (ویجویه‌ای، 1386، 177) این راه یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی و تجارتي ایالت آذربایجان برای تأمین آذوقه و مهمات مجاهدان مشروطه‌خواه در تبریز محسوب می‌شد و انسداد آن قحطی و گرسنگی را در شهر تبریز دامن می‌زد و کمبود سلاح و تجهیزات برای مبارزه مجاهدین را در پی داشت (براون، 1338: 236؛ امیرخیزی، 1378: 209، 210). همچنین بخش اعظمی از مجاهدین قفقازی همواره از طریق راه مذکور وارد آذربایجان و تبریز می‌شدند (هدایت، 1363:

216). بستن راه تبریز آن قدر به مشروطه خواهان ضربه وارد کرد که حتی واکنش علمای سه گانه طرفدار مشروطیت در نجف- آخوند ملا کاظم خراسانی، حاج شیخ عبدالله مازندرانی و حاجی میرزا حسین تهرانی- را برانگیخت و موجب صدور فتوایی با این مضمون شد: «رفتن بر سر تبریز به منزله جنگ با امام زمان و بستن راه خواربار برای آن شهر در حکم بستن آب فرات به روی اصحاب سیدالشهدا می باشد» (کسروی، 1388: 867).

انسداد این راه و خوی چپاولگری نیروهای دولتی مستقر در آن، علاوه بر وارد ساختن فشار بر مجاهدان مشروطه خواه تبریز، موجب رکود در تجارت خارجی شد. چرا که راه جلفا-تبریز از مهم ترین راه های تجاری ایران با روسیه و اروپا به شمار می رفت و انسداد و ناامن ساختن آن، این روابط تجاری را مختل می ساخت. در این فضای ناامنی، وزارت امور خارجه روسیه به سفیر خود در تهران اطلاع می دهد که با توجه به حمله و غارت اموال در جاده جلفا-تبریز و فقدان کامل امنیت از دولت درخواست شود محافظت را برای حفاظت از اتباع و مؤسسات روس در این مسیر قرار دهد. علاوه بر کاروان ها، مرسولات پستی نیز در این راه دچار یغماگری نیروهای دولتی می شد (کتاب نارنجی، 1366، ج 2: 15؛ نیور، 1348: 223؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، کارتن 4، پرونده 18، شماره 4). مصائب و مشکلات ناشی از انسداد راه تبریز- جلفا توسط شجاع نظام، مشروطه خواهان را به این فکر انداخت که با طراحی نقشه ای حساب شده، شجاع نظام را از میان بردارند. نقشه این ترور توسط مشروطه خواه نامی حیدر خان عمو اوغلی طراحی و اجرا شد.

حیدر خان عمو اوغلی و ترورهای عصر مشروطه

حیدر خان عمو اوغلی (1297-1339 هـ ق./ 1880-1921 م.) فرزند میرزاعلی اکبر ملقب به عمو و نوه حاجی ملاعلی تاروی ویردیوف بود. از این رو وی با عناوین خانوادگی عمو اوغلی¹ و تاروی ویردیوف معروف شد. خانواده حیدر خان بعد از مهاجرت از آذربایجان در شهر گمری قفقاز جنوبی ساکن شدند. حیدر خان در تفلیس مهندسی برق خواند و به عنوان یک مهندس برق مسئولیت برق کشی به بارگاه امام رضا (ع) را بر عهده گرفت

1- عمو اوغلی در زبان ترکی آذربایجانی به معنی پسرعمو است.

(کسروی، 1388: 547؛ نوائی، 1327: 45؛ رائین، 1370: 17؛ رئیس نیا، 1348: 39). وی در این خصوص می‌نویسد: «در باکو با چند نفر ایرانی مربوط بودم. مظفرالدین شاه در سفر اول به فرنگ با میرزا علی اصغر خان اتابک مقتول، یک نفر مهندس مسلمان لازم‌شان شده بود که در مشهد مقدس کارخانه چراغ برق را دایر کند. چون در این زمان بین مسلمان‌ها مهندس برق بسیار کم بود لهذا مسلمان‌های باکو مرا معرفی نموده، ماشین اتو دتوز¹ لوازم چهارصد چراغ را خریداری نموده به سمت خراسان حرکت کردم» (عمو اوغلی، 1392: 17).

حیدر خان پس از مدتی از مشهد به تهران آمد و در کارخانه برق حاج امین‌الضرب² مشغول به کار شد. پس از تأسیس فرقه اجتماعیون - عامیون به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سازمان همت در باکو، شعبه‌های مختلف این فرقه در چند شهر ایران دایر شد و حیدر خان به عنوان یکی از اعضای مهم این فرقه، شعبه‌ای از آن را در تهران تشکیل داد (رضازاده ملک، 1352: 40؛ یزدانی، 1388: 152؛ اتحادیه، 1381: 140). حیدر خان به دلیل تخصصی که در ساختن بمب داشت به عنوان بمببست شناخته شد (کسروی، 1388: 546؛ براون، 1338: 265). وی در جهت کمک به مشروطه‌خواهان و برای از میان برداشتن مخالفان مشروطه و ضایع کردن عملیات آن‌ها علیه آزادیخواهان، انجمنی مخفی برای تهیه بمب و نارنجک و ایجاد ترور و وحشت ایجاد کرد. حتی عده‌ای از متخصصان این امر را از قفقاز آورد ولی آنان را با کسی آشنا نکرد و ناشناس نگه داشت تا در جهت انجام عملیات ترور شناسایی نگردند. هدف این کمیته، مجازات کسانی بود که خائن به منافع ملت شناخته شده بودند (ویجویه‌ای، 1386: 91؛ کسروی، 1388: 846؛ آجودانی، 1384: 429؛ آفاری، 1378: 28).

از جمله ترورهای حیدر خان جهت حفظ مشروطیت، بمب انداختن به خانه علاء-الدوله، ترور میرزا علی اصغر خان اتابک و تهدید و ترور نافرجام محمدعلی شاه است (ویجویه‌ای، 1386: 298؛ کاتوزیان، 1388: 753). اعضای فرقه اجتماعیون عامیون،

1- همان اتو دتوتز (Otto Deutz). دتوتز نام یک شرکت آلمانی تولید کننده موتورهای درون‌سوز است که در سال 1864 م. توسط نیکلاس اتو تأسیس شد.

2- امین‌الضرب معروف‌ترین تاجر ایرانی در دوره قاجار است. زندگی وی با سلطنت سه پادشاه قاجار مقارن بود. وی در دوران پادشاهی محمدشاه متولد شد و در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه وارد تهران شد و به اوج ثروت و شهرت رسید و سرانجام معاصر با سلطنت مظفرالدین شاه درگذشت. وی در عهد مظفری امتیاز برق را از روسیه خرید و بدین شکل صنعت برق وارد ایران شد (مهدوی، 1376: 600-591).

به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان سران و نیروهای دولتی طرفدار استبداد، تصمیم گرفتند تا با انداختن بمب به خانه علاءالدوله که یکی از مخالفان مشروطه بود، به اقدامات آنان علیه مشروطه خواهان خاتمه بخشند. پس انجام این مأموریت به چند تن از فدائی‌های باکو که در تهران بودند سپرده شد. عملیات بمب‌گذاری در وهله اول به خوبی انجام نشد تا این که سرانجام خود حیدر خان تصمیم گرفت که بمبی دیگر در خانه علاءالدوله انداخته شود (جورابچی، 1363: 20؛ رائین، 1377: 58). بدین جهت در خاطرات حیدر خان چنین ذکر شده است: «شب 15 جمادی الاول 1325 [هـ ق. / 6 جولای 1907 م.] من تنها در پی مأموریت برخاسته، هفت ساعت از شب گذشته بمب بزرگی را که به همراه داشتم در خانه علاءالدوله ترکانیده و به باغ وحش حرکت کردم» (عمواوغلی، 1392: 28).

با ورود میرزا علی اصغر خان اتابک به ایران، نزاع مشروطه خواهان با محمدعلی شاه وارد مرحله جدیدی شد. از دیدگاه مشروطه خواهان تندرو اقدامات اتابک هر چند ظاهری مشروطه خواهانه داشت اما فریبی بیش برای پیشبرد اهداف استبدادی محمدعلی شاه نبود (سیاح، بی تا: 583؛ رئیس‌نیا، 1348: 55). بنابراین با مشورت اعضای فرقه اجتماعیون عامیون تهران که ملک‌المکلمین و سید جمال واعظ نیز عضو آن بودند، تصمیم به ترور اتابک گرفته شد. کمیته مجری حکم این ترور را به کمیته وحشت¹ فرستاد و کمیته مذکور این مأموریت را به عباس آقا صراف تبریزی واگذار کرد و بدین وسیله صدراعظم محمدعلی شاه ترور شد (عمواوغلی، 1392: 32-33؛ کسروی، 1388: 545؛ براون، 1338: 265؛ شیخ‌الاسلامی، 1367: 17-3).

کار بعدی حیدر خان حمله به محمدعلی شاه بود که در 25 محرم 1326 هـ ق. / 28 فوریه 1908 م. رخ داد. محمدعلی شاه که به قصد تفریح بیرون رفته بود، ناگهان با پرتاب دو نارنجک به سمت خود مواجه شد، اما این سوءقصد نافرجام ماند. چهار نفر بمب ساز به نام‌های مشهدی محمد و مشهدی عبدالله و اکبر از اسکو و زینال از قره‌داغ، به عنوان مظنونان حادثه دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفتند. این بازجویی‌ها بدون نتیجه پایان یافت و مظنونان آزاد شدند (عین‌السلطنه، 1377: ج 3، 2020؛ ویجویه‌ای،

1. کمیته وحشت هیئتی بود مرکب از تروریست‌های حرفه‌ای، بخشی از تشکیلات مخفی اجتماعیون عامیون بوده است. (اتحادیه، 1381: 155)

1386: 298). بعدها احمد کسروی در این خصوص چنین اذعان داشت: «نقشه این کار را خود حیدر عمو اوغلی کشیده و بمب را نیز او ساخته بوده» (کسروی، 1388: 661). این ترور نافرجام، امکان سازش شاه و مشروطه‌خواهان را کاملاً از بین برد و شاه را برای سرکوبی مشروطه‌خواهان بیش از پیش مصمم ساخت.

با به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی در سال 1326 هـ.ق./1908 م. توسط محمدعلی شاه، حیدر خان عازم باکو شد. وی در باکو به سبب همکاری با فرقه اجتماعیون عامیون ایران در قفقاز، عده‌ای داوطلب و فدائی را برای مبارزه با محمدعلی شاه و کمک به مشروطه‌خواهان تبریز در راستای مقابله با نیروهای دولتی روانه ایران کرد (کسروی، 1388: 548؛ کحال‌زاده، 1363: 443).

ساخت بمب و ترور سران استبداد در دوران استبداد صغیر تحت رهبری حیدرخان تداوم یافت. مشروطه‌خواهان در بسیاری از جنگ‌های داخلی تبریز، به کمک مجاهدان قفقازی همراه حیدرخان بمب و نارنجک ساخته، بسیاری از حملات نیروهای دولتی را دفع کردند (ویجویه‌ای، 1386: 91؛ کسروی، 1388: 846؛ آفاری، 1378: 28). معاصر با این دوران، کتاب نارنجی از ساخت بمب در کاروانسرای ملا ابراهیم علمدار¹ خبر می‌دهد (کتاب نارنجی، 1366: ج 2، 40). عین‌السلطنه در خصوص کاربرد دوگانه این بمب‌های ساخته شده به دست مجاهدان قفقازی چنین گزارش می‌دهد: «از اعتمادالدوله پرسیدم شما خیلی بمب دیده‌اید چند جور است؟ گفت آن چه در تبریز می‌انداختند دو قسم بود یکی فقط صدای مهیبی داشت که زمین را حرکت می‌داد اما احدی را مجروح و مقتول نمی‌کرد. قسم دیگرش چندان صدایش زیاد نبود اما خراب می‌کرد و می‌کشت» (عین‌السلطنه، 1377: ج 3، 2310).

واقعه ترور شجاع نظام مرندي

برای رویارویی با شجاع نظام، ابتدا دو پیشنهاد از طرف مشروطه‌خواهان مطرح شد. پیشنهاد اول رویارویی مستقیم با شجاع نظام در مرنند و اعزام گروهی برای جنگ با وی بود. پیشنهاد دوم ترور وی به وسیله بمب بود. بنابراین «به‌جای پیشنهاد اعزام گروهی

1- علمدار د مجاورت جلفا از نواحی مشروطه‌خواه واقع در سرحد ایران و روسیه و مورد وثوق حیدر خان بود. به‌گونه‌ای که او در خاطراتش بر مشروطه‌طلب بودن اهالی آن تأکید می‌کند (عمو اوغلی، 1392: 78).

برای جنگ به مرنند، پیشنهاد گرجیان بمب‌انداز مورد تصویب قرار گرفت که وی به نحو دیگری معدوم گردد و در ازاء آن 5000 تومان جایزه داده شود» (کتاب نارنجی، 1366: ج 2، 24). ویجویه‌ای نیز گزارش داده است که «در این ایام که شجاع نظام راه تجارتنی غله و آذوقه را در مرنند مسدود نموده ... و گذشته از آن باعث فتنه و آشوب بزرگ شده و نزدیک شد آذربایجان به تصرف دیگران برسد. لذا به فکر دفع فتنه این آشوب طلب افتادند و خواستند بدون این که خون ناحقی به زمین ریخته شود دفع این شریر نمایند» (ویجویه‌ای، 1388: 223). حیدر خان با توجه به سوابقی که در طراحی ترور مخالفان مشروطه داشت، به عنوان مسئول عملیات ترور شجاع نظام انتخاب شد (امیرخیزی، 1378: 228). وی در خاطرات خود بیان کرده است که به دلیل وضعیت خطرناکی که برای مشروطه خواهان و شهر تبریز پیش آمده بود به تهیه بمب علیه شجاع نظام اقدام کرد: «گروه آزادی خواهان آن قدر ناچیز، کوچک و در اقلیت بودند که امکان پیروزی کامل یا فتح کامل و قطعی برای آنان امکان پذیر نمی نمود. در چنین لحظه‌های حساس و موقعیت خطرناک بدون از دست دادن یک دقیقه وقت تصمیم گرفتم نیروهای انقلابی تبریز و ساکنان آن شهر را از وضع بسیار خطرناکی که ایجاد شده بود نجات دهم. برای انجام این تصمیم، لازم بود با کمال خونسردی و شجاعت، تخصص خاص خود را به کار برم و شروع به تهیه بمب شماره دو کنم. این بمب در اروپا با نام بمبی که در وقت معین عمل می کند معروف است» (عمواوغلی، 1392: 48، 49). با توجه به دشمنی آشکاری که بین مجاهدان تبریز و شجاع نظام وجود داشت، نزدیک شدن به وی و انجام عملیات ترور، بسیار سخت و پیچیده بود؛ اما روند حوادث و نبوغ حیدرخان در طراحی بمب‌های جدید که در زمان و وقت مشخص عمل می کرد، این نقشه را ممکن نمود. پس از تسخیر خانه میرزا حسن مجتهد -از طرفداران استبداد- توسط مجاهدان تبریز، مهر سیف‌السادات به دست مشروطه خواهان افتاد (کسروی، 1388: 949). مشروطه خواهان مهر مذکور را نزد حیدر خان بردند. وی نیز با اطلاع از دوستی سیف‌السادات و شجاع نظام، اندیشه‌ای به ذهنش خطور کرد که با ساختن جعبه‌ای حاوی بمب و نوشتن نامه‌ای با مهر و امضای سیف‌السادات نقشه خود را آغاز و عملی کند. حیدرخان برای آزمایش امکان ارسال نامه به شجاع نظام و جلب اعتماد وی، ابتدا در 27 رمضان 1326 هـ ق. / 23 اکتبر 1908 م. نامه‌ای توسط حسن نفیر قلی اوغلی (اوغلی) - از

مجاهدین تبریزی مهاجر قفقاز - با مهر سیف‌السادات به شجاع نظام پست کرد و در آن ضمن ارسال اندکی اشیاء قیمتی به وی وعده داد که جواهرات دیگر خود را با نامه و بسته پستی دیگری برای او ارسال خواهد کرد: «تصدقت شوم؛ اشرار در تبریز خیلی خرابی کرده‌اند. دار و ندار ما را از میان بردند. فعلاً این اشیائی که به دست آمده خدمت حضرت عالی و بعضی جواهرات دیگرم را در جایی زیر خاک کرده‌ام اگر توانستم درمی‌آورم و می‌فرستم که پیش سرکار بماند. در این ایام حضرت والا عین‌الدوله به شما کاغذ خواهد نوشت که شما از یک طرف و سایرین از طرف دیگر حمله بیاورید تا این که ما را از دست این اشرار خلاص کنید» (عمو اوغلی، 1392: 69).

جدول 1: مجموعه عملیات پستی با هدف ترور شجاع نظام

نوع مرسوله	فرستنده جعلی	فرستنده اصلی	گیرنده	تاریخ ارسال	تاریخ دریافت
نامه اول (جعلی)	سیف - السادات	حسن نفیر - قلی اوغلی	شجاع نظام	27 رمضان 1326 هـ ق	27 رمضان 1326 هـ ق
جعبه اول (اشیاء جعلی)	سیف - السادات	حسن نفیر - قلی اوغلی	شجاع نظام	27 رمضان 1326 هـ ق	27 رمضان 1326 هـ ق
نامه دوم (جعلی)	سیف - السادات	حسن نفیر - قلی اوغلی	شجاع نظام	28 رمضان 1326 هـ ق	1 شوال 1326 هـ ق
جعبه دوم (بمب)	سیف - السادات	حسن نفیر - قلی اوغلی	شجاع نظام	28 رمضان 1326 هـ ق	1 شوال 1326 هـ ق

شجاع نظام در همان روز جعبه اول و نامه‌ها را هم‌زمان دریافت کرد. حیدر خان بلافاصله روز 28 رمضان 1326 هـ ق/ 1908 م. محموله پستی حاوی مواد منفجره را که به‌وسیله سیم و نخ بسته بود، همراه با نامه‌ای دیگر برای شجاع نظام تدارک دید و فرستاد، بدین مضمون که «امیدوارم کاغذ اول با بسته‌ای که فرستادم رسیده باشد و دستخط مبارک حضرت والا هم رسیده و به‌زودی حرکت خواهید کرد و ما را از دست اشرار خلاص خواهید کرد. جواهراتی که در کاغذ اول عرض کردم به ترتیب به دست آورده و می‌فرستم. البته به‌طور امانت لطفاً نگاه خواهید داشت. در این جعبه یک انگشتر یاقوتی است که برای تبریک عروسی نورچشمی موسی‌الرضا خان فرستادم به ایشان بدهید» (عمو اوغلی، 1392: 72). حیدر خان قبض سفارشی بسته بمب را که به شماره 20449 و تاریخ «سلخ صیام [هـ ق.] 1326» از پست‌خانه تبریز گرفته بود برای شجاع

نظام ارسال کرد (قبض سفارشی پستخانه، 1331:175؛ تقی‌زاده، 1372:220). شجاع نظام در تاریخ 1 شوال 1326 هـ ق. / 27 اکتبر 1908 م بسته را دریافت کرد. حاجی میرزا محمود خان رئیس پست مرند که با شجاع نظام روابط خویشی داشت، همان روز عازم خانه او شد و جعبه و نامه را نزد وی برد. وزن جعبه 670 مثقال بود. افراد دیگری چون علی‌خان هوجقانی، بارون جبرئیل، یعقوب ارمنی و شجاع لشکر - پسر بزرگ شجاع نظام - در زمان حادثه در کنار شجاع نظام حضور داشتند. میرزا محمود خان جعبه و نامه را بلافاصله به شجاع نظام داد. وی به توصیه اطرافیان، خودش جعبه را باز نکرد و به پسرش شجاع لشکر داد تا آن را باز کند. شجاع لشکر در ابتدا مردد بود، ولی به دلیل تمسخر پدر که او را به بزدلی متهم می‌ساخت، مجبور شد جعبه را باز کند. به محض باز شدن جعبه، انفجار مهیبی رخ داد و شجاع نظام و پسرش شجاع لشکر کشته شدند. علی‌خان هوجقانی نیز زخمی شد ولی بعد از یک روز مرد (روزنامه انجمن، سال 3، 4 شوال 1326 هـ ق.). یعقوب ارمنی که ظاهراً جاسوس کنسول‌خانه روس بود و بارون جبرئیل تاجر از رفقای خود شجاع نظام زخمی شدند (امیرخیزی، 1378:228؛ هدایت، 1363:88؛ ادیب هروی خراسانی، 1331:222). خبر کشته شدن شجاع نظام که از طریق تلفن در 2 شوال 1326 هـ ق. / 28 اکتبر 1908 م. به مردم تبریز رسید. شور و ولوله‌ای در سطح شهر به راه انداخته شد و شخصی به نام میرتقی قلع «برای آگاهانیدن مردم، با موزیک در بازارها گردید» (کسروی، 1388:952).

با کشته شدن شجاع نظام، مرند به دست مجاهدین فتح گشت و راه تبریز - جلفا باز شد. بازارها در تبریز دوباره شروع به فعالیت کردند. مردم تبریز به راحتی و فراوانی به کالاهای مورد نیاز خود از جمله قند و نفت دست یافتند. ولی این شور و شعف نیز موقت بود. محمدعلی شاه بلافاصله بعد از کشته شدن شجاع نظام طی حکمی موسی‌الرضا فرزند او را با عنوان شجاع نظام جانشین پدر کرد (فریاد آذربایجان، 18 صفر 1344، س 1، ش 8).

انجمن ایالتی آذربایجان پس از این واقعه، هدایایی را به حیدر خان اعطاء کرد. حیدر خان در این خصوص می‌نویسد: «یک اسب و یک طاقه شال و یک تفنگ از طرف ملت به من دادند و خطابه‌ای نیز خواندند» (عمواوغلی، 1392:73). بعدها دو مورد ترور دیگر با الهام گرفتن از شیوه ترور شجاع نظام با ارسال بسته حاوی بمب صورت گرفت. ترور

اسماعیل آقا سمیتقو و شجاع الدوله که البته هر دو مورد نیز نافرجام بود (کسروی، 2537: 832).

جدول 2: ترورهای انجام شده توسط حیدرخان عمو اوغلی

اشخاص ترور شده	ابزار ترور	تاریخ ترورها	نتیجه ترور
علاءالدوله	بمب	25 جمادی الاول 1326 هـ ق. 6 جولای 1907 م	نافرجام
اتابک اعظم (امین اسلطان)	رولور (ششلول)	22 رجب 1325 هـ ق. 1 سپتامبر 1907 م	منجر به مرگ
محمدعلی شاه	نارنجک	15 محرم 1326 هـ ق. 18 فوریه 1908 م	نافرجام
شجاع نظام مرندي	بمب	1 شوال 1326 هـ ق. 27 اکتبر 1908 م	منجر به مرگ

شجاع نظام دوم نیز تمام نیروی خود را به کار گرفت تا از عهده مقابله با مشروطه-خواهان برآید. وی نیز به تأسی از پدر تمام تلاش خود را برای مسدود کردن راه تبریز-جلفا به کار بست (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال 1326 هـ ق، کارتن 22، پرونده 68، ش 1). بعدها این عمل شجاع نظام دوم چنین توجیه شد که او دستور دولت ایران مبنی بر عدم اجازه حمل مهمات و اسلحه توسط مجاهدان قفقازی را به اشتباه به تجار مورد حمایت دولت روسیه تزاری نیز تسری داده بود (کتاب نارنجی، 1366: ج 2، 320). شجاع نظام دوم در زمینه حکمرانی مرندي نیز نتوانست رهرو خوبی برای پدر باشد. چنانچه نارضایتی از شیوه عملکرد او در مرندي در قالب شکایت‌نامه‌های مختلفی انعکاس یافته است (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، 1326 هـ ق، کارتن 2، پرونده 48، ش 10).

مشروطه‌خواهان با مشاهده اوضاع مشوش مرندي و کارهای شجاع نظام دوم به فکر چاره‌ای برای بیرون راندن و از میان برداشتن وی شدند و سپس تصمیم به فتح مرندي گرفته شد. مشروطه‌خواهان شخصی به نام فرج آقا زنوزی¹ را برای فتح مرندي انتخاب کردند و از وی خواستند تا از بیراهه به سمت زنوز رود و سپس با جمع‌آوری تعدادی

1- یکی از مجاهدان دوره مشروطه است. وی از قفقاز به کمک مشروطه‌خواهان تبریز آمده بود. از جمله اقدامات او یکی تصرف مرندي، دیگری نیز شرکت در جنگ الوار بود. سرانجام بعد از تصرف دوباره مرندي توسط شجاع نظام دوم و رحیم خان چلبیانلو وی توسط رحیم خان دستگیر شد. (کسروی، 1388: 1003، 953).

نیرو از آنجا به سوی مرند رهسپار شود (امیرخیزی، 1388: 228؛ کسروی، 1388: 952). شجاع نظام دوم با آگاهی از پیشروی فرج آقا سعی کرد تا قبل از ورود وی به مرند، خود آغازگر جنگ باشد. ولی هنوز چند فرسخ بیشتر پیش نرفته بود که درگیری بین نیروهای طرفین آغاز شد. در حین جنگ با صدای تیراندازی خرگوشی هراسان به سمت اردوی نیروهای مرند جست. این قوا به تصور این که خرگوش به مانند جعبه ارسالی به شجاع نظام حاوی بمب است، به طرف مرند عقب نشسته متواری شدند (ویجویه‌ای، 1386: 226؛ کسروی، 953؛ حسن‌زاده، 1392: 74-75). نیروهای مشروطه‌خواه نیز در این هنگام تا اردکلو نزدیکی مرند پیش آمده و بدون اطلاع از این که شجاع نظام دوم در مرند نیست خود را مهبای جنگ کردند. ولی پس از مطلع شدن از عدم حضور وی در مرند وارد شهر شدند. سرانجام مرند در روز 27 شوال 1326 هـ. ق. 22 نوامبر 1908 م. به دست مشروطه‌خواهان فتح شد. فرج آقا وارد مرند شد و «به اهالی مرند با کمال مهربانی اطمینان و امنیت داده همه مشغول کسب‌وکار خود شدند» (ویجویه‌ای، 1386: 226). با ورود مشروطه‌خواهان به مرند امنیت به شهر بازگشت و نظم برقرار شد. انجمن ایالتی و ستارخان نیز بلافاصله برای سروسامان دادن به امور میرزا اسماعیل نوبری¹ و حیدر خان را روانه مرند کردند. این دو سرکرده مشروطه‌خواه نیز به مردم مرند قول برقراری امنیت، رفع هر گونه ظلم و تعدی و استرداد اموال سرقت شده توسط دستگاه شجاع نظام را دادند. چند روز بعد اموال غارت شده موجود در خانه شجاع نظام را به خانه ستارخان انتقال یافت. مردم نیز برای باز پس‌گیری اموال غارت شده خود به خانه ستارخان ارجاع داده شدند (کسروی، 1388: 952؛ امیرخیزی، 1388: 230). انجمن ایالتی بعد از مشخص شدن تکلیف اموال غارت شده، به فکر گماشتن حاکمی برای مرند بودند؛ بنابراین با پیشنهاد ستار، انجمن در 25 ذی‌قعدة 1326 هـ. ق. 19 دسامبر 1908 م شخصی به نام رضاقلی خان سرتیپ را به حکومت مرند منصوب کرد (امیرخیزی، 1388: 232؛ ویجویه‌ای، 1386: 226).

1- شیخ اسماعیل نوبری، فرزند حاج محسن، تاجر تبریزی، چون از محله نوبر تبریز بود معروف به نوبری شد. به سال 1290 هـ ق در تبریز متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت، صرف و نحو، منطق و معنای بیان، کلام و قواعد و اصول را فرا گرفت. در فن خطابه و سخن گفتن معروف عام و خاص شد. شیخ اسماعیل نوبری هنگام جنبش مشروطیت مجاهدی نستوه، پرتلاش و جان‌فشان بود، خصوصاً همکاری وی با مرحوم شیخ محمد خیابانی قابل توجه و دقت است (سرداری‌نیا، 1370: 437-439).

نتیجه

ترور یکی از روش‌های مبارزاتی قوای مشروطه‌خواه با نیروهای استبداد محسوب می‌شد. کمبود نیروی نظامی و تجهیزات جنگی مشروطه‌خواهان نسبت به نیروهای دولتی وابسته به محمدعلی شاه اصلی‌ترین دلیل روی‌آوری ایشان به ترور بود. استفاده از بمب به راهنمایی و زعامت حیدر خان عمواوغلی و کمک مجاهدین قفقازی، در این ترورها عمومیت یافت.

مشروطه‌خواهان معاصر با دوران جنگ‌های داخلی آذربایجان و محاصره تبریز، جهت تسهیل وضعیت خویش و به فکر از میان برداشتن یکی از اصلی‌ترین مهره‌های استبداد در منطقه یعنی شکرالله خان شجاع نظام مرندی افتادند. عملیات نظامی مستقیم نمی‌توانست مجاهدین را از شر این دشمن مسلح خلاص نماید، پس به شیوه کم‌هزینه ترور روی آوردند. حیدر خان عمواوغلی نقشه عملیات ترور را طراحی و اجرا نمود. در این راستا بمبی دست‌ساز در یک جعبه پستی تعبیه و ارسال شد و به لطایف‌الحیلی اعتماد شجاع نظام نسبت به این بسته پستی تأمین گشت و سرانجام با گشودن جعبه به حیات شجاع نظام پایان داده شد. بعد از مرگ شجاع نظام بنا بر حکم محمدعلی شاه، فرزند وی موسی‌الرضا با عنوان شجاع نظامی بر مسند حکمرانی پدر در مرند تکیه زد. او از اقتدار پدر برخوردار نبود و به‌زودی در اداره مرند و رهبری قوای دولتی در شمال آذربایجان بر ضد مشروطیت دچار ضعف و مشکل شد. از سوی دیگر مرگ شجاع نظام موجب تقویت روحیه مجاهدان مشروطه‌خواه در تبریز شد. به‌زودی مجاهدین تبریزی به‌سوی مرند حرکت کردند و موجبات شکست و برکناری شجاع نظام دوم را فراهم ساختند. با برکناری شجاع نظام دوم از مرند راه استراتژیک تبریز - جلفا گشوده شد. بازگشایی این راه بحران کمبود آذوقه و سلاح را در تبریز تا حدی مرتفع ساخت و از سوی دیگر آمدو شد مجاهدان قفقازی به این شهر تسهیل گشت. بدین ترتیب مشروطه‌خواهان آذربایجان بار دیگر از کمک‌های مادی و معنوی مجاهدان قفقازی بهره‌مند شدند. زین پس مشروطه‌خواهان آذربایجان از آذوقه کافی چون نفت، کبریت و قند برخوردار بودند و نیز سلاح برای حفظ امنیت در اختیار داشتند و افکار و اندیشه‌های نوین مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی را از متفکران و صاحب‌نظران آن‌سوی ارس فرامی‌گرفتند.

همچنین زمینه برای فتح شهرهای کلیدی شمال و غرب آذربایجان شامل مرنند، جلفا، خوی، سلماس و ارومیه به عنوان کانون‌های مهم مشروطه‌خواهی فراهم شد و موقعیت مجاهدین تبریز در برابر مستبدین تقویت شد. مرگ شکرالله خان شجاع نظام مرنندی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر ناامنی در تبریز و شمال آذربایجان و وجود سلاح کافی در اختیار مشروطه‌خواهان، مجدداً امنیت را در شهر تبریز و راه استراتژیک تبریز-جلفا برقرار ساخت و تا حدودی رکود تجاری ناشی از عدم امنیت در آن را مرتفع ساخت، چرا که بنا بر گزارش‌های تاریخی شجاع نظام و قوای وابسته به وی از هیچ‌گونه تعدی به جان و مال مردم در شهر تبریز و مسیر تبریز-جلفا دریغ نمی‌کردند.

منابع

کتاب

- اتحادیه، منصوره (1381). پیدایش و تحول احزاب سیاسی دوره مشروطیت، تهران: کتاب سیامک.
- ادیب هروی خراسانی، محمدحسین (1331). تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، مشهد: بی‌نا.
- آشوری، داریوش (1386). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، تهران: مروارید.
- امیرخیزی، اسماعیل (1378). قیام آذربایجان و ستارخان، تهران: نگاه.
- آجودانی، ماشاءالله (1384). مشروطه ایرانی، تهران: اختران.
- آفاری، ژانت (1379). انقلاب مشروطه ایران 1906-1911، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- آقابخشی، علی، مینو افشاری راد (1383). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
- بامداد، مهدی (1371). شرح رجال ایران در قرن 12، 13، 14 هجری، تهران: زوار.
- براون، ادوارد (1338). انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر.
- تقی‌زاده، سید حسن (1372). زندگی طوفانی، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی.
- جورابچی، محمدتقی (1363). حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمدتقی جورابچی، تصحیح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- حسن‌زاده، اسماعیل (1393). انقلاب اسلامی در مرنند (سیاست و اجتماع: از مشروطه تا انقلاب)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رائین، اسماعیل (1370). حیدر خان عمو اوغلی، تهران مؤسسه تحقیق رائین.
- رضازاده ملک، رحیم (1352). چکیده انقلاب حیدر خان عمو اوغلی، تهران: دنیا.
- رئیس‌نیا، رحیم (1348). حیدر عمو اوغلی در گذر از طوفان‌ها، تهران: دنیا.
- رئیس‌نیا، رحیم (2535). عزیر حاجی بیگوف و اتحاد اسلام، تهران: چاپار.
- سیدزنوزی، امیرهوشنگ (1358). مرنند، تهران: مؤلف.
- سرداری‌نیا، صمد (1370). مشاهیر آذربایجان، تبریز: ذوقی.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (1367). قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، تهران: کیهان.

- عافیت، محمدرضا (1374). پژوهش‌های سیمای ستارخان در ادبیات آذربایجان، ترجمه اسد بهرنگی، تبریز: بهرنگی.
- عمو اوغلی، حیدر خان (1392). خاطرات حیدر خان عمو اوغلی، «همراه با تقریرات منتشر نشده حیدر خان به خط علی‌اکبر داور»، به کوشش ناصرالدین حسن‌زاده، تهران: نامک.
- عمید، حسن (1388). فرهنگ فارسی عمید، تهران: فرهنگ‌نما.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا (1377). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج 3، تهران: اساطیر.
- کتاب نارنجی، (1366). گزارش‌های وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ج 2، ترجمه حسین قاسمیان، تهران: نور.
- کحال‌زاده، ابوالقاسم (1363). خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال‌زاده «منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران درباره مشکلات ایران در جنگ بین الملل»، به کوشش مرتضی کامران، تهران: فرهنگ.
- کسروی، احمد (1388). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (1387). فرهنگ فارسی یک‌جلدی، تهران: اشجع.
- نوائی، عبدالحسین (1327). «حیدر خان عمو اوغلی و رسول‌زاده»، یادگار، سال 5، شماره 1، صص 43-67.
- نیور، آنژی (1348). گزارشی از انقلاب مشروطه ایران (رویدادهای تبریز)، بررسی‌های تاریخی، سال 4، شماره 5 و 6، صص 211-230.
- ویجویه‌ای، محمدباقر (1386). تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- هدایت، مهدیقلی مخبرالسلطنه (1363). گزارش ایران، مقدمه سعید وزیری، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
- یزدانی، سهراب (1388). مجاهدان مشروطه، تهران: نی.

اسناد

- قبض سفارشی پستخانه (1331). یغما، شماره 49، ص 175.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، کارتن 22، پرونده 68، ش 1.

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، کارتن 4، پرونده 18، ش. 4.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، کارتن 2، پرونده 48، ش 10.

مطبوعات

- انجمن تبریز
- فریاد آذربایجان

